

بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین در موضوع أَشْرَاطُ السَّاعَةِ

محمود مطهری نیا*
عبدالله موحدی محب**

چکیده

قرآن کریم در آیه ۱۸ سوره محمد به أَشْرَاطُ السَّاعَةِ اشاره نموده است. اشراط الساعه در اصطلاح قرآنی به مجموعه حوادثی گفته می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت و یا ظهور امام عصر^ع اتفاق خواهد افتاد. مفسران فریقین بر اساس روایات پیامبر اکرم^ص و ائمه اطهار^ع درباره آخرالزمان و رویدادهای آن زمان، نسبت به این موضوع توجه زیادی نموده‌اند. اگرچه اشراط الساعه از اصطلاحات پرکاربرد در منابع اسلامی است اما در تعیین مصداق آن درهم آمیختگی زیادی میان علائم ظهور و علائم قیامت وجود دارد. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از آیات قرآن، روایات و تحلیل محتوایی و مصادیق بیان شده در آنها و نیز تفاسیر شیعه و اهل سنت، میان این علائم تفکیک شود.

واژگان کلیدی

آیه ۱۸ سوره محمد^ص، اشراط الساعه، علائم قیامت، علائم ظهور، آخرالزمان.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. motahari.nia@gmail.com
** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان. movahedi-moheb@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۸

طرح مسئله

«آخر الزمان» که به دوره آخر و قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۲) معنا شده است در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملت‌ها و نحل‌ها، به‌ویژه پیروان ادیان ابراهیمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده و آنها با دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند و شاهد آن مطالب فراوانی است که از دیر زمان در میان اقوام و ملت‌های مختلف در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخر الزمان در منابع و متون دینی یافت می‌شود.

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمینه آخر الزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع‌آوری این روایات در منابع روایی شیعی و سنی (برای نمونه ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۳۱۶ - ۲۹۵؛ ۵۲ / ۲۷۸ - ۱۸۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۵: ۳ / ۵؛ سجستانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۲۸ - ۹۷) به تألیف کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند.

این کتاب‌ها با عنوان‌هایی مانند: *أشراط الساعة، علامات الساعة، علامات يوم القيامة، الفتن، الملاحم، الفتن و المحن، الفتن و الملاحم* منتشر شده است.

واژه اشراط الساعة از واژه‌هایی است در منابع اسلامی و تفاسیر در ذیل آیه ۱۸ سوره محمد ﷺ، فراوان مشاهده می‌شود. همچنین در آثاری که به موضوع معاد، قیامت، نشانه‌های ظهور و ملاحم و فتن پرداخته‌اند و نیز در مدخل‌های آخر الزمان و اشراط الساعة در *دائرة المعارف قرآن کریم* و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* به این موضوع پرداخته شده است. این مقاله بر آن است تا با واکاوی دیدگاه مفسران فریقین درباره موضوع اشراط الساعة، به تفکیک علائم قیامت و علائم ظهور که در برخی منابع از آن دو به‌عنوان اشراط الساعة یاد شده است، بپردازد.

مفهوم‌شناسی اشراط الساعة

أشراطُ السَّاعَةِ، بر مجموعه حوادثی اطلاق می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت اتفاق خواهد افتاد. اشراط از نظر لغوی جمع «شَرَطٌ» به معنای «علامت» است. معنای اصلی این واژه همان شرط است و شرط عاملی است که وجود امری به تحقق آن بستگی دارد. دلیل پیوند معنایی شرط با علامت این است که تحقق شرط، علامت تحقق امری است که وجود آمدنش منوط به آن شرط است. بدین‌سان، اشراط الساعة مجموعه حوادثی است که تحقق آنها نشانه وقوع قیامت است. (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲: ۳۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۳۶) معنای دیگری که برخی از مفسران از این تعبیر به دست داده‌اند، این است که شاید اشراف به معنای ادله روشن کننده قیامت نیز باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۶ / ۳۳) واژه «اشراف الساعه» برگرفته از یکی از آیات قرآن است که از وقوع آن خبر داده است:

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَهُمْ
ذِكْرُهَا. (محمد / ۱۸)

آیا [کافران] جز این انتظار می‌برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و
علامات آن اینک پدید آمده است. پس اگر [رستاخیز] بر آنان در رسد، دیگر
کجا جای اندرزشان است؟

در مفردات القرآن نیز ذیل واژه شرط چنین آمده است:

شرط: علامت و نشانه. اَشْرَاطُ السَّاعَةِ: نشانه‌های قیامت. در آیه: (فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا) شرط: پیشتازان و چاوشان یا شحنگان و مأموران نظم جامعه (شرطه
الله: یاران و انصار خدای) و چون دارای علامات و نشانه‌هایی هستند این طور
نامیده شده‌اند تا با آن علامت شناخته شوند. (اشراف القوم: نجبای قوم) و
همچنین - اشراف الابل: شترانی که بر گردنشان علامت هست. اَشْرَطَ نَفْسَهُ
لِلْهَلَاكَةِ: وقتی است که کسی عملی انجام دهد که نشانه مرگ و هلاکت است یا
شرط مردن و هلاکت در آن باشد. (راغب اصفهانی، همان)

شباهت اخبار قیامت و ظهور قائم ع

یکی از مطالبی که با موضوع علائم ظهور ارتباط نزدیک دارد، روایاتی است که درباره نشانه‌های
قیامت سخن می‌گوید. در بسیاری از منابع روایی و تفسیری اهل سنت و برخی جوامع حدیثی و نیز
تفاسیر شیعی، نشانه‌های ظهور مهدی ع با علامت‌های نزدیک شدن و برپایی قیامت آمیخته و
برخی نشانه‌هایی که به علائم ظهور مشهورند، نشانه قیامت دانسته شده است. حتی گاهی از اصل
ظهور مهدی به‌عنوان علامت قیامت یاد می‌شود.
به‌طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت علاوه بر مطالبی که ذیل آیه یاد شده در سوره
محمد ع آورده‌اند، بابت با عنوان «اشراف الساعه» گشوده‌اند و در دوره‌های قبل و نیز متأخر،
کتاب‌های مستقلی با همین عنوان عرضه شده است. در اینجا به مقایسه مواردی از این علامت‌ها در

منابع فریقین پرداخته می‌شود:

نزول حضرت عیسی علیه السلام و ظهور دجال که به نشانه ظهور مهدی علیه السلام شهرت دارند، در اغلب منابع اهل سنت نشانه قیامت معرفی می‌شوند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۸۲ / ۱۶: ۱۳۶۴؛ قرطبی، ۱۳۰ / ۱۶: ۱۴۱۵؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۵: ۴ / ۶؛ مسلم، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۶۴ و ۶۶۶)

شیخ مفید طلوع خورشید از مغرب و فرو رفتن زمینی در مشرق و مغرب را ذیل نشانه‌های ظهور آورده است. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۶۸) اما این موارد در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت از نشانه‌های قیامت به‌شمار رفته است. (احمد بن حنبل، ۱۴۱۵: ۴ / ۶؛ مسلم، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۶۷) همچنین در موضوع نشانه‌های ظهور از ترکان و رومیان سخن به میان آمده است که در منابع از آن به‌عنوان نشانه‌های قیامت یاد می‌شود. (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: همان؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۱۸۶)

مطالعه روایات علائم ظهور و در کنار آن احادیث اشراط الساعه به خوبی نشان دهنده شباهت آن دو دسته اخبار به یکدیگر است. علت این امر را در چند مطلب می‌توان جستجو کرد:

نخست اینکه در برخی روایات کلمه «الساعه» به ظهور مهدی علیه السلام تأویل شده. (کورانی، ۱۴۱۱: ۵ / ۳۹۵، ۴۰۵ و ۴۱۱) بر این اساس یکی از نویسندگان معاصر احادیث اشراط الساعه را در باب علائم ظهور آورده، می‌نویسد:

از آنجاکه در برخی از روایات، الساعه به ظهور حضرت تأویل شده روایات اشراط الساعه را به نشانه‌های ظهور تفسیر کردیم. (طیبی، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۲۹)

دوم، نزدیکی الفاظ و معانی قیام، قیامت و قائم نیز می‌تواند دلیلی بر خلط علائم ظهور با نشانه‌های قیامت باشد. چنان که در ابتدای حدیثی از کتاب *الغیبه* می‌خوانیم: «لا تقوم القیامه حتی ...» درحالی که در نسخه‌ای دیگر از این کتاب به جای «القیامه» واژه «القائم» آمده است. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۹ به نقل از صادقی، ۱۳۸۵: فصل دوم)

ساعت و بهشت پیش از قیامت

واژه «الساعه» ۳۴ بار در قرآن به کار رفته است. الساعه در قرآن به معنای وقت و لحظه است؛ اگرچه این واژه در قرآن معمولاً به معنای قیامت به کار رفته است اما در برخی موارد نمی‌توان آن را بر قیامت تطبیق کرد. از آن جمله می‌توان به آیه ۷۵ سوره مریم اشاره کرد:

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ

وَأَمَّا السَّاعَةُ فَمَسِيْعَةٌ مَن هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا.

بگو: «هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود: یا عذاب، یا روز رستاخیز را ببینند پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است.

در پایان این آیه چنین سؤال می‌شود که پس به زودی خواهند دانست که چه کسی مکانش بدتر و سپاهش ضعیف‌تر است. همان‌طور که روشن است در قیامت مفهومی به نام لشکرکشی - که دو سپاه نمایان شود یکی قوی و دیگری ضعیف - مصداق ندارد. از این‌رو باید آن را ناظر به زمانی دانست که در آن زمان در هنگام رویارویی دو سپاه خیر و شر غلبه با سپاهی است که خداوند از آنان حمایت نموده و آنان را تأیید می‌نماید. منابع تفسیری شیعه ذیل این آیه یادآور روایتی شده‌اند که مصداق آیه را در دوره ظهور قائم عج بیان می‌کند و کاملاً مؤید برداشت یاد شده از آیه فوق است. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۷۲۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۸ / ۲۶۲)

واژه «الجنة» نیز وضع مشابهی در آیات با «الساعة» دارد. در آیات ۱۰۵ تا ۱۰۸ سوره هود آمده است:

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيْقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُوذٍ.

روزی [است] که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید. آن‌گاه بعضی از آنان تیره‌بخت‌اند و ابرخی [نیکبخت. و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند. آسمان‌ها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد؛ زیرا پروردگار تو همان‌کند که خواهد. و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت جاودان‌اند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست.

علامه مجلسی در ذیل این آیه روایتی از امام علی ع نقل می‌کند که ایشان در پاسخ به منکران ثواب و عقاب پس از مرگ و پیش از قیامت این آیات را تلاوت نموده و فرمودند: منظور آسمان‌ها و زمین پیش از قیامت است و الا در قیامت که زمین و آسمان‌ها به چیزی غیر از خود تبدیل می‌شوند. مطلب همانند این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «وَمِن رَّأَيْهِمْ بُرْزُخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ و پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.» (مؤمنون / ۱۰۰) که امری میان دو امر است:

ثواب و عقاب در میان دنیا و آخرت؛ یا این آیه که «الْثَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ؛ [اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می‌شوند، و روزی که رستاخیز برپا شود.» (غافر / ۴۶) صبح و شام در قیامت که موضع جاودانگی است وجود ندارد و به دنیا اختصاص دارد؛ همچنین خداوند متعال درباره اهل بهشت می‌فرماید: «وَكُلُّهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا؛ و روزی‌شان صبح و شام در آنجا [آماده] است.» (مریم / ۶۲) صبح و شام ناشی از شب و روز در جنت، حیات پیش از قیامت است. در جایی دیگر خداوند می‌فرماید: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا؛ در آنجا نه آفتابی بینند و نه سرمایی.» (انسان / ۱۳) یا آنجا که می‌فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ. (آل عمران / ۱۷۱ - ۱۶۹)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمان‌اند، و برای کسانی که از پی ایشان‌اند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند، شادی می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۲۴۶)

برخی وجود سایه مداوم را در آیه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا» (رعد / ۳۵) دلیل وجود خورشید گرفته‌اند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۵۴) شاید این نگاه کمتر مورد توجه مفسران و نویسندگان اهل سنت بوده و به همین سبب اختلاط میان نشانه‌های ظهور و علائم قیامت در تألیفات آنان بیش از منابع شیعه است.

محدوده زمانی رخداد اشراط الساعة

نکته مهم دیگری که هم از سویی مؤید این دیدگاه است و هم از سوی دیگر تعیین کننده مصداق این زمان به‌شمار می‌آید، مصادیقی است که برای عنوان کلی «اشراط الساعة» به کار رفته است. این مصادیق غالباً بر همان مواردی تطبیق می‌کند که در روایات به‌عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عج مطرح شده‌اند. البته با نگاه دقیق‌تر مجموعه این نشانه‌ها در چند مقطع زمانی گنجانده می‌شوند:

الف) آخر الزمان

«آخر زمان» در کتب لغت به «دوره آخر» و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد» معنا شده است، (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۲: معین، ۱۳۷۵: ۱ / ۳۴) این مفهوم عام‌ترین مفهومی است که برای اَشْرَاطُ السَّاعَةِ به کار رفته است. این عنوان بر محدوده وسیعی قابل اطلاق است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ب) پیش و در آستانه ظهور

این محدوده دربرگیرنده متداول‌ترین و شایع‌ترین برداشتی است که از اَشْرَاطُ السَّاعَةِ و نشانه‌های ظهور شده است.

ج) رجعت

با توجه به استناد جدی به آیاتی از قرآن کریم - رجعت که به تشیع اختصاص دارد - باید باوری مسلماً اسلامی دانست. بخشی از آنچه در زمره اَشْرَاطُ السَّاعَةِ در روایات و تفاسیر آمده مربوط به این دوره است.

د) قیامت

شماری از آنچه که به‌عنوان اَشْرَاطُ السَّاعَةِ یاد شده در اصل اَشْرَاطُ الْقِيَامَةِ و حوادث مربوط به آستانه قیامت است.

واژه‌های ناظر به نشانه‌ها

در منابع اسلامی از نشانه‌های آخر الزمان با این تعابیر یاد شده است:

الف) اَشْرَاطُ السَّاعَةِ

این تعبیر در منابع فریقین به کار برده شده است اما استعمال آن در منابع اهل سنت بیشتر است.

ب) اَشْرَاطُ الْقِيَامَةِ

این تعبیر از نظر اصطلاحی دقیق‌تر از اَشْرَاطُ السَّاعَةِ است اما از نظر استعمال به همان معنای اَشْرَاطُ السَّاعَةِ است تا آنجا که گاه در یک روایت اَشْرَاطُ السَّاعَةِ و اَشْرَاطُ الْقِيَامَةِ به یک معنا به کار رفته است. (برای نمونه ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۰۴)

ج) ارهاصات

این واژه بیشتر برای بیان آن دسته از حوادثی به کار برده شده که پیش از آمدن انبیای بزرگ رخ داده‌اند. ارهاصات به طور مشخص درباره حوادث و نشانه‌های ولادت رسول الله ﷺ به کار رفته است. (برای نمونه ر.ک: ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۴۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۰، ۴۷۰) استعمال این اصطلاح برای نشانه‌های ظهور و آمدن امام عصر عجل الله فرجه کمتر رایج است و تنها در منابع متأخر از این واژه برای نشانه‌های ظهور یا قیامت استفاده شده است. (برای نمونه ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱۹ / ۴۴۸)

د) علائم ظهور

در منابع شیعه برای بیان نشانه‌های ظهور معمولاً از این اصطلاح استفاده می‌شود و شایع‌ترین اصطلاح برای بیان حوادث آخر الزمان و ظهور، نشانه‌ها و علائم ظهور است. (ر.ک: طوسی، بی‌تا؛ نعمانی ۱۳۹۷: مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۵ - ۵۳)

ه) آیات

در روایات اسلامی برخی از حوادث شاخص و فوق‌العاده آخر الزمان با عنوان آیه مطرح شده‌اند. تعداد این حوادث که به طور مشترک در منابع شیعه و سنی آمده، انگشت‌شمار است، از قبیل: دخان، بازگشت مسیح، آتشی از قعر عدن که مردم را به سمت محشر سوق می‌دهد، دجال، خروج دابه، طلوع خورشید از مغرب، یاجوج و ماجوج، سه خسوف در مشرق، مغرب و جزیره‌العرب، باد و طوفانی که از ناحیه دریا مردم را دربرگیرد. (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۷)

اولین این آیات را دخان، دجال (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۲۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۷ / ۶۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶ / ۱۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۳۷)، طلوع خورشید از مغرب و خروج دابه - که بنابر روایات متعدد شیعه منظور امیرالمؤمنین علیه السلام است (برای نمونه ر.ک: قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۳۰) - دانسته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۴۵)

و) فتن

فتن جمع فتنه و به معنای آزمایش، امتحان، شورش، اختلاف آراء، محنت و رنج است. این واژه در اصل به عملی گفته می‌شود که برای پاک کردن طلا و نقره از ناخالصی انجام می‌شود. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰ / ۱۷۸)

ز) ملاحم

ملاحم جمع ملحمه به معنای جنگ و خونریزی بزرگ و رزمگاه است که اصطلاحاً به جنگ‌ها و رویدادهای سیاسی - اجتماعی گفته می‌شود که معصومین علیهم‌السلام از وقوع آنها خبر داده‌اند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۶: ۲ / ۴۱۷) برخی از اهل سنت کتاب‌های مربوط به موضوع نشانه‌های آخر الزمان را به «ملاحم و فتن» نامگذاری می‌کنند.

مقطع و زمان‌شناسی آخر الزمان

با مرور آیات، روایات و منابع تفسیری می‌توان محدوده وسیعی را در گستره زمانی برای مفهوم آخر الزمان یافت. به استناد آنچه در منابع یاد شده آمده است می‌توان سرآغاز دوره آخر الزمان را چنین یافت:

الف) خلقت آدم

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام خلقت حضرت آدم علیه‌السلام را در پی یک میلیون عالم و آدم، سرآغاز دوره پایانی جهان نامیده‌اند. در واقع این تعبیر ناظر به آخرین زمان خلقت آدمیان و عوالم است. (صدوق، ۱۳۹۸: ۲۷۷)

ب) عهد نبوی

پیامبران الهی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌عنوان پیامبر آخر الزمان یاد کرده‌اند. این یادکرد در روایات اسلامی به نقل از آنان آمده است. (برای نمونه ر.ک: صدوق، بی‌تا: ۱ / ۵۵) بسیاری از منابع به‌ویژه منابع اهل سنت و گاه شیعه (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۹ / ۳۶۵) با توجه به آیه آغازین سوره قمر، سرآغاز قیامت و رخداد اَشْرَاطُ السَّاعَةِ را بعثت رسول خدای صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خوانده‌اند. (برای نمونه ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۹۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۱ / ۶۶) سیاق این آیه بیانگر آن است که دست‌کم بخشی از نشانه‌های قیامت در زمان نزول قرآن رخ داده است. شاید مراد این است که وقوع قیامت و برپا شدن حساب و کتاب نیازمند به مقدماتی است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۹ / ۴۶۹) که از جمله این مقدمات، آفرینش انسان و به‌دنبال آن جدا شدن و تمایز انسان‌های صالح از فاسد و پرهیزگار از بدکار، و سرانجام، مرگ آنان است. بدین‌سان، به‌طور قطع می‌توان گفت که پاره‌ای از مقدمات و علامت‌های وقوع قیامت محقق شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۳۷)

ج) عهد مهدوی

استفاده از تعبیر دوره حضرت مهدی علیه السلام البته با تأکید بر دوره ظهور امام عصر علیه السلام امری شایع است. در برخی از این دست روایات مقصود دوره پیش از ظهور است. مانند مواردی که فقدان علم و ظهور جهل، شیوع شرب خمر، علنی شدن زنا، کم شدن مردان، زیاد شدن زنان را از جمله اشراط الساعه برشمرده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۱۷۴؛ نیز ر.ک: بروسوی، بی تا: ۷ / ۲۴۳)

د) غیبت کبری

بیشتر نشانه‌های ظهور درباره این دوره از غیبت است؛ بخشی از این نشانه‌ها که به‌عنوان نشانه‌های ظهور و آخر الزمان بیان شده است در قرن‌ها یا سال‌های گذشته محقق شده است و بخشی نیز هنوز به وقوع نپیوسته است.^۱ البته باور ابن عباس بر این است که از همان ایام، بیشتر نشانه‌ها به جز طلوع خورشید از مغرب، دابة الأرض، خروج دجال و خروج یاجوج و ماجوج رخ داده‌اند. (سمرقندی، ۱۴۱۳: ۳ / ۳۶۹)

ه) دوره نزدیک به ظهور

تصور و توقع عمومی از موضوع نشانه‌های ظهور ناظر به دسته‌ای از حوادث است که در سال‌ها یا ماه‌های منتهی به ظهور رخ دهند؛ این نشانه‌ها بخشی از مجموعه حدود دو هزار نشانه بیان شده برای ظهور امام عصر علیه السلام را دربر می‌گیرد.

و) یکسال پایانی پیش از ظهور

در منابع شیعه، دسته‌ای از نشانه‌های ظهور به‌عنوان نشانه‌های حتمی و قطعی از آنها یاد شده است. (طبرسی، بی تا: ۴۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۲) دیدگاه غالب در این باره پنج نشانه را در برمی‌گیرد که عبارتند از: خروج سفیانی و قیام یمانی در ماه رجب، صیحه آسمانی در بیست و سوم ماه رمضان، شهادت نفس زکیه در بیست و پنجم ماه ذیحجه و خسف بیداء در نیمه اول محرم. البته گاه علائمی مانند طلوع خورشید از مغرب، اختلاف بنی عباس و برخی موارد انگشت‌شمار دیگر نیز در زمره علائم حتمی برشمرده شده است. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۷۱)

همان‌طور که در تحقیقات متأخر که با نام شش ماه پایانی، منتشر شده است، به استناد مجموعه

۱. در این رابطه به کتاب‌های: روزگار رهایی، نوشته کامل سلیمان، لزوم تفکیک علائم حتمی از غیر حتمی نوشته علی اکبر مهدی پور و منتظر تاریخ، نوشته علاءالدین مدرسی مراجعه شود.

مفصل و جامعی از روایات مشاهده می‌شود که این مجموعه حوادث و هر پنج نشانه در بازه زمانی شش ماه قبل از ظهور تا چند روز پس از آن رخ می‌دهد. (در این رابطه ر.ک: الساده، ۱۳۸۵: فصل سوم)

ز) از ظهور تا قیامت

بخشی از آنچه در ضمن روایات اشراف الساعه بیان شده درباره حوادثی است که پس از ظهور تا پیش از وقوع قیامت رخ می‌دهند؛ برخی از این حوادث عبارتند از: بازگشت مسیح و پایان بخشیدن به جریان سفیانی، نبرد با یاجوج و ماجوج.

ح) آستانه قیامت

به تصریح آیات قرآن اندکی پیش از قیامت، حوادثی رخ می‌دهد که زمینه‌ساز وقوع آن رخداد است. قرآن کریم به هنگام بیان اوصاف قیامت، آن را در کنار رویدادهایی ذکر می‌کند که با انقراض عالم انسانی و فروپاشی نظام دنیوی ملازمت دارد. این معنا غالباً در سوره‌های مکی مانند: نبأ، نازعات، تکویر، انفطار، انشقاق، فجر و قارعه، و برخی سوره‌های مدنی چون زلزال مورد تأکید قرار گرفته است. نمونه‌هایی از اشراف الساعه در این سوره‌ها چنین است: آسمان می‌شکافد، ستارگان پراکنده می‌شوند و فرو می‌ریزند (انشقاق / ۱؛ انفطار / ۲ - ۱)؛ خورشید و ستارگان بی‌فروغ می‌گردند؛ (تکویر / ۲ - ۱) زمین منبسط و شکسته می‌شود و هر چه در درون دارد، بیرون می‌افکند و تهی می‌گردد (انشقاق / ۵ - ۳؛ فجر / ۲۱)؛ زمین با سخت‌ترین لرزه‌ها لرزانده می‌شود (زلزال / ۱ - ۲) و خیرهای قبرها را که پروردگار به او وحی کرده است، باز می‌گوید (زلزال / ۵ - ۴)؛ دریاها به هم می‌پیوندند و قیرها از هم می‌شکافند؛ (انفطار / ۵ - ۳) کوه‌ها جابه‌جا می‌شوند (تکویر / ۳) و چون پشم‌زده شده [به هوا روند] (قارعه / ۵) و مردمان چون پروانگان پراکنده شوند. (قارعه / ۴)

گونه‌شناسی اشراف الساعه

برخی این نشانه‌ها را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

الف) نشانه‌هایی که ظاهر شده و از بین رفته است؛ مانند: بعثت رسول اکرم ﷺ؛

ب) نشانه‌هایی که ظاهر شده و همچنان ادامه دارد؛ مانند: رباخواری؛

ج) نشانه‌هایی که تاکنون ظاهر نشده است؛ مانند: خروج دجال. (مراغی، بی‌تا: ۹ / ۱۳۳)

بعضی هم معتقدند اشراف الساعه به سه دسته از رخدادها اطلاق می‌گردد:

الف) حوادث مهم پیش از پایان جهان؛ مانند: بعثت پیامبر ﷺ؛

ب) حوادث هولناک در آستانه پایان جهان؛ مانند: فروپاشیدن کوه‌ها؛
ج) حوادث تکان‌دهنده در آغاز رستاخیز و نشانه‌های شروع قیامت؛ مانند: تبدیل شدن زمین و آسمان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶ / ۲۱)
با توجه به مجموعه مطالبی که این نوشتار به دنبال تبیین آن است مجموعه این حوادث در دو مقطع پیش از ظهور و پیش از قیامت دسته‌بندی می‌شود:

۱. گونه‌شناسی حوادث آستانه ظهور

حوادث مقطع پیش از ظهور و در آستانه رخداد آن را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

یک. عرصه تحولات و انحطاطات انسانی

روایتی جامع از رسول خدا ﷺ در مراسم حجة الوداع و در گفتگو با سلمان فارسی در منابع شیعه نقل شده (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۰۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۳۹۴) که فهرست جامع و کاملی از نشانه‌ها و تحولات انسانی پیش از ظهور را در بر می‌گیرد. علاوه بر آن روایتی مفصل‌تر از امام ششم علیه السلام نقل شده که به خوبی جامع اوصاف و تحولات و انحطاطات مردم عصر آخر الزمان و آستانه ظهور است.

لازم به ذکر است تأکید بر انتظار در ابتدا و انتهای روایت حاضر در کنار مجموعه روایات توصیف‌کننده آخر الزمان بی‌تردید روایت یاد شده ناظر به دوره مورد مطالعه ما می‌باشد. (برای مطالعه متن روایت ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۴۲ - ۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲ / ۲۵۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۲۷۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۳۹۷)

این ویژگی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و ... قابل تفکیک و دسته‌بندی است.

دو. عرصه طبیعی

الف) طلوع خورشید از مغرب

بیشتر مفسران شیعه و سنی، ظهور نشانه مورد اشاره در آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (انعام / ۱۵۸) را به استناد روایاتی که در ذیل آن رسیده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶ / ۳۱۳) طلوع خورشید از مغرب دانسته‌اند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۸ / ۱۲۶) در برخی روایات این نشانه را در زمره علائم حتمی برشمرده‌اند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۷۱) در گذشته طلوع خورشید از مغرب از نگاه دانشمندان هیئت و نجوم، امری محال تلقی می‌شد؛ اما برخی مفسران بر این باورند که

چنین رویدادی محال عادی است؛ اما عقلاً محال نیست، از این رو می‌تواند متعلق قدرت الهی قرار گیرد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸ / ۹۴) امروزه نظرات علمی تبدیل حرکت زمین به حرکتی مخالف حرکت کنونی یا جابه‌جایی قطب شمال و جنوب را ممکن می‌دانند؛ خواه به صورت تدریجی باشد، چنان‌که بررسی‌های فلکی نشان می‌دهد، یا به صورت ناگهانی که وقوع حادثه‌ای جوّی موجب آن گردد. البته همه این مباحث در صورتی است که تعبیر طلوع خورشید از مغرب رمز و اشاره به سرّی از اسرار حقایق نباشد.

ب) ظهور دود در آسمان

به استناد آیه «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» (دخان / ۱۰) در تفاسیر شیعه و سنی، یکی از اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، ظهور دود در آسمان دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۵ / ۱۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۹۴) و گفته‌اند: منظور از «دخان مبین» همان دود غلیظی است که در پایان جهان و در آستانه قیامت، صفحه آسمان را می‌پوشاند و سرآغاز عذاب دردناک الهی برای ستمگران است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۱۶۳) در حدیثی از رسول خدا ﷺ در مورد آیه فوق آمده است: این دود میان مشرق و مغرب را پر می‌کند و چهل شبانه روز می‌ماند و بر اثر آن حالتی شبیه زُکام به مؤمن دست می‌دهد؛ اما کافر شبیه مستان شده و دود از بینی و گوش‌ها و پشت او بیرون می‌آید. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷ / ۴۰۸)

با توجه به اوصاف یاد شده برای دخان که بر مؤمنان و کفار چنین تأثیری می‌گذارد خود می‌تواند بهترین دلیل بر این موضوع باشد که دخان از جمله نشانه‌های ظهور و نه قیامت است؛ زیرا به تصریح منابع شیعه و سنی، پس از ظهور، بنای کفر برچیده می‌شود (صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۷۸) و تا پیش از حشر کافری بر زمین باقی نمی‌ماند که بخواهد او را مدهوش و مست کند و اساساً چنین تأثیری پس از حشر نیز لغو و عبث می‌نماید؛ زیرا کافری که سكرات موت و عذاب برزخ را چشیده و مهیای احوال قیامت است، نیازی به وقوع چنین رخدادی در آن اوضاع و احوال ندارد. به این مطلب می‌توان روایاتی را اضافه نمود که دخان را «اول الآیات» خوانده و رخداد آن را پیش از دیگر وقایع شاخص اَشْرَاطُ السَّاعَةِ خوانده‌اند.

۲. گونه‌شناسی حوادث آستانه قیامت

این حوادث و تحولات که در عرصه خلقت رخ می‌دهند از این قرار است:

یک. تحولات زمین

۱. در عرصه خشکی

۱-۱. طبیعی

۱-۱-۱. زلزله شدید

پیش از وقوع قیامت زلزله‌ای سخت سراسر زمین را فرا می‌گیرد، به گونه‌ای که همه محتویات خود از جمله اجساد مردگان را به بیرون می‌افکند. (زلزال / ۲ - ۱) و چنان از هم شکافته می‌شود که اجساد به سرعت از آن جدا شوند (ق / ۴۴) قرآن این زلزله را «عظیم» وصف کرده و بیان داشته که با وقوع آن، هر شیردهنده‌ای از فرزند شیرخوارش غافل می‌شود و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد و همه مردم چون مستان به نظر می‌آیند. (حج / ۲ - ۱) از زلزله زمین در آیاتی دیگر با واژه‌های «رَجْف» و «رَجَج» به معنای لرزش و حرکت شدید یاد شده است. (نازعات / ۷ - ۶؛ مزمل / ۱۴؛ واقعه / ۴)

۱-۱-۲. فروپاشیدن کوهها

فروپاشیدن کوهها که به‌طور طبیعی بر اثر زلزله شدید زمین حاصل می‌شود، خود طی مراحل انجام می‌پذیرد.

۱. کوهها به لرزه در می‌آید. (مزمل / ۱۴)

۲. از جا برکنده می‌شود. (حاقه / ۱۴) برخی مراد از حمل زمین و کوهها را احاطه قدرت بر آنها دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۳۹۷) که در قیامت ظهور می‌یابد.

۳. به حرکت در می‌آید، (طور / ۱۰) چنان که برخی از مفسران «بس» در آیه «وَبُئِتِ الْجِبَالُ بَسًا» (واقعه / ۵) را نیز به معنای به حرکت درآمدن آنها دانسته‌اند. (همو، ۱۴۱۷: ۱۱۶)

۴. درهم کوبیده می‌شود. (حاقه / ۱۴)

۵. به صورت توده‌ای از شن‌های متراکم در می‌آید (مزمل / ۱۴) و پس از متراکم شدن، به ذرات کوچک‌تری تبدیل شده، به صورت گرد و غباری پراکنده می‌شود: (واقعه / ۶ - ۵) گفته شده: «هباء» غباری است که در ستونی از نور خورشید که از منفذی تابیده شود قابل رؤیت است. این امر نشان نهایت خرد شدن و ریز شدن سنگ‌های عظیم کوههاست. برخی گفته‌اند: کوهها در اصل اجزایی متفرق مانند ذرات منتشر در هوا بوده است که برخی از فرشتگان الهی آنها را جمع کرده، و به صورت کوه درآوردند و با وقوع قیامت دوباره به صورت اصلی خویش باز می‌گردد؛ زیرا در قیامت هر چیزی به اصل خویش باز می‌گردد.

۶. غبارهای پراکنده به شکل پشم‌های حلاجی شده که با تندباد حرکت کند و تنها رنگی از آنها در آسمان دیده شود در می‌آید. (قارعه / ۵)

۷. سرانجام از کوه‌ها شبهه یک سراب در بیابان خشک می‌ماند (نبأ / ۲۰) و با از بین رفتن کامل کوه‌ها ناهمواری‌های زمین از میان می‌رود (طه / ۱۰۷ - ۱۰۶) برخی گفته‌اند: مراد از تبدیل شدن کوه‌ها به سراب، انعدام کوه‌ها و باطل شدن حقیقت آنهاست. به این ترتیب آن کوه‌های استوار که حقایقی دارای چرمی بس بزرگ و نیرومند بود و طوفان‌ها نمی‌توانست آنها را حرکت دهد به سرابی باطل تبدیل می‌شود که هیچ حقیقتی ندارد.

۱-۲. انسانی

۱-۲-۱. آتش فراگیر در میان مردم

زمینه‌ساز حشر انسان‌ها آتشی فراگیر از شرق تا غرب جهان است. (صدوق، بی تا: ۱ / ۹۵)

۱-۲-۲. دمیده شدن در صور

یکی از حوادث قیامت، نفخه مرگ است که با وقوع آن جانداران آسمان‌ها و زمین می‌میرند. (زمر / ۶۸) از ظاهر آیه «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ * وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً» (حاقه / ۱۴ - ۱۳) چنین برمی‌آید که دمیده شدن در صور پیش از درهم کوبیده شدن زمین و کوه‌هاست. برخی آیه «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ...» (نمل / ۸۷) را نیز در مورد نفخه مرگ، یا اعم از آن و زنده ساختن (طباطبایی، ۱۳۱۷: ۱۵ / ۴۰۰) دانسته‌اند. ظاهراً نفخه‌ای برای میراندن زندگان دمیده می‌شود و پس از تمام تحولات کیهانی و فراهم شدن شرایط هول آفرین قیامت نفخه دوم دمیده شده و همه خلایق آسمان‌ها و زمین با فرغ، زنده و محشور می‌شوند.

۲. در عرصه دریا

دگرگونی دریاها

دگرگونی دریاها در قرآن با دو واژه «تسجیر»: (برافروخته شدن) (تکویر / ۶) و «تفجیر» (منفجر شدن) (انفطار / ۳) بیان شده است. در معنای این دو واژه نظرات گوناگونی ارائه شده است؛ مانند: به هم پیوستن آب‌های زمین و پر شدن و یکی شدن دریاها، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۷۴ و ۶۸۱) خشک شدن دریاها و برافروخته شدن و آتش گرفتن دریاها. (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰ / ۸۶) برخی گفته‌اند: دریاها با متلاشی شدن کوه‌ها در میان آنها پر می‌شود و آب سراسر خشکی را فرا می‌گیرد. برخی دیگر احتمال داده‌اند که بر اثر زمین لرزه و آتشفشان‌ها آب دریاها با مواد مذاب زمین که در حال جوشش است برخورد کرده، دچار برافروختگی شود یا به واسطه سقوط پاره‌های ستارگان آسمان که هنوز خاموش نشده و افتادن آنها، دریاها به حالت جوشش درآید. برخی مفسران بر افروختن و

سوختن آب دریاها را به سبب تجزیه شدن دو عنصر آب، یعنی اکسیژن و هیدروژن و سوختن آنها دانسته (سید قطب، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۸۴۶) و با این دیدگاه به دنبال ارائه تفسیری علمی از این رخداد برآمده‌اند.

دو. تحولات آسمان

۱. تاریخ شدن خورشید، ماه و ستارگان

قرآن (تکویر / ۱) از تاریخ شدن خورشید به «تکویر» (جمع شدن و پیچیده شدن مانند پیچیده شدن عامه بر سر) یاد کرده است: (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۷۳) در آیه‌ای دیگر به جمع شدن خورشید و ماه و به هم پیوستن آن دو که به گفته برخی به معنای تاریخ شدن آنهاست، اشاره شده است (ابن هائم، ۱۴۲۳: ۳۶۰): «وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ»؛ (قیامت / ۹) همچنین از تاریخ شدن ستارگان با واژه‌هایی چون «انکدار» (تاریکی): «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»، (تکویر / ۲) «طمس» (ناپدیدشدن): «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ» (مرسلات / ۸) و «انتثار» (پراکنده شدن و فرو ریختن): «وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (انفطار / ۲) سخن به میان آورده است.

دستاوردهای دانش بشری از تعیین زمان تاریخ شدن ستارگان ناتوان است؛ اما تأیید می‌کند که باگذشت زمان و در هر لحظه، از انرژی آنها کاسته شده و سرانجام به خاموشی خواهد گرایید. البته با نوع وصف قرآن از قیامت نمی‌توان آن را محصول سیر طبیعی و تدریجی جهان، به سمت نابودی دانست. به عبارت دیگر، پیش‌بینی‌های علمی این روزها را نمی‌توان الزاماً به حوادث قیامت ربط داد. آنچه که درباره روشن شدن زمین با نور پروردگار در قرآن آمده: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا». (زمر / ۶۹) نمی‌تواند مربوط به قیامت باشد؛ زیرا به تصریح آیاتی که مورد استدلال حضرت علی علیه السلام نیز قرار گرفته و قبلاً بدان اشاره شد، پس از قیامت زمین به چیزی غیر از خود بدل خواهد شد و وقتی زمینی نباشد روشن شدن زمین با نور پروردگار امری بی‌معنا خواهد بود. با مراجعه به روایات منابع شیعه، دانسته می‌شود این اتفاق مربوط به دوره ظهور امام عصر علیه السلام است که مردم با نور امام عصر علیه السلام از نور خورشید بی‌نیاز می‌شوند. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۴۳۴؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۳۷۲) البته فهم این مطلب با گذشت قرن‌ها همچنان برای ما ممکن نیست. اینکه برخی گفته‌اند: بعید نیست مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار، کنار رفتن پرده و حجاب و ظهور حقیقت اشیا و آشکار شدن کارهای خیر و شر برای ناظران باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۲۹۵) با توجه به آنکه این آیه ناظر به عصر ظهور امام عصر علیه السلام باشد، قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

۲. جمع شدن خورشید و ماه

برخی جمع شدن خورشید و ماه در آیه «وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (قیامت / ۹) را نیز ناظر به این پدیده دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۱۹۴)

۳. متلاشی و دگرگون شدن آسمان و کرات آسمانی

در شماری از آیات، از شکافتن و تلاشی آسمان پیش از قیامت سخن به میان آمده است. معلوم نیست به چه دلیل و استنادی گفته شده مراد از آسمان در این آیات، کرات آسمانی است؛ زیرا با در نظر گرفتن خود آسمان هم این آیات قابل فهم و تصور است. قرآن مجید از دگرگون شدن نظام کواکب و شکافته شدن کرات آسمانی با تعبیرهایی گوناگون یاد کرده است:

۱. حرکت شدید و دورانی: «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا». (طور / ۹) «مور» گاه به معنای حرکت شدید و گاه به معنای حرکت دورانی است. (طوسی، بی تا: ۹ / ۴۰۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۲۷۱) آوردن واژه «مورا» به صورت مصدر، تأکیدی بر شدت این حرکت و گردش است (راغب، ۱۴۱۲: ۷۸۳):

۲. گداخته شدن: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ». (معاوج / ۸):

۳. سستی و پراکندگی: «وَأَنْشَقَّتْ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ». (حاقه / ۱۶)

۴. شکافته شدن: این رخداد با واژه‌هایی همچون «انشقاق»: «إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ»، (انشقاق / ۱) «تَشَقَّقُ»: «وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ»، (فرقان / ۲۵) «انفطار»: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ»، (انفطار / ۱) «فج»: «وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ»، (مرسلات / ۹) «فتح»: «وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا» (نبأ / ۱۹) (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۰ / ۲۱) و «كشط»: «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» (تکویر / ۱۱) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۶۷۴) آمده است. برخی گفته‌اند: بعید نیست این گونه آیات کنایه از آن باشد که ابر جهل کنار می‌رود و عالم آسمان که عالمی غیبی است، آشکار می‌شود و ساکنان آن (فرشتگان) ظاهر گشته، به زمین که جایگاه انسان است نازل می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۲۰۲؛ ۱۹ / ۳۹۸؛ ۲۰ / ۱۶۶، ۲۲۳) که با توجه به احوال قیامت و شرایط آکنده از فزع آن ساعات، بعید است که تأویل قابل توجهی به نظر آید.

۵. درهم پیچیدن: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ». (انبیاء / ۱۰۴) تعبیر «طَي السِّجْلِ لِلْكِتَابِ» به این معناست که هرگاه صفحه‌ای پیچیده شود الفاظ موجود در آن نیز پیچیده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۳۲۸) از تشبیه مذکور در آیه درهم پیچیده شدن کامل نظام آسمان استفاده می‌شود.

فاصله باقیمانده تا قیامت

با مراجعه به آیاتی از قرآن کریم که مانند آیات آغازین سوره قمر از نزدیک شدن قیامت خبر می‌دهند یا اینکه صبح قیامت را نزدیک می‌خوانند (مانند: هود / ۸۱) ممکن است این سؤال در ذهن پیش آید که چگونه با گذشت ۱۵ قرن از عصر نبوی هیچ خبری از قیامت نیست؟ پاسخ این سؤال با توجه به یک نکته روشن می‌شود و آن اینکه: باقی مانده دنیا را در مقایسه با گذشته آن باید محاسبه کرد، و در چنین مقایسه‌ای آنچه از عمر دنیا باقی مانده چیز مهمی نیست، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۴۵۱) چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ به نقل از اهل سنت آمده است که روزی بعد از عصر و نزدیک غروب آفتاب، برای یارانش خطبه‌ای خواند و فرمود:

سوگند به کسی که جان محمد به دست اوست، آنچه از دنیا گذشته نسبت به آنچه باقی مانده، مانند مقداری است که امروز شما گذشته نسبت به آنچه باقی مانده است و می‌بینید که جز مقدار کمی باقی نمانده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶ / ۴۸)

البته در مقایسه با عمر خلقت هستی، و نه خلقت حضرت آدم، زمان بسیاری را پشت سر نهاده‌ایم. اما با گذشت این قرون پاسخ به این پرسش نیز که چقدر دیگر باقیمانده است بی‌پاسخ خواهد ماند؛ زیرا که علم به زمان ظهور و قیامت بنا بر آیات قرآن کریم، روایات و دیدگاه مفسران فریقین فقط به خداوند اختصاص دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۶ / ۵۱) که البته به استناد برخی روایات نقل شده در جوامع شیعی می‌توان نتیجه گرفت معصومین علیهم‌السلام نیز به زمان ظهور و نه قیامت، به لطف الهی اطلاع داشته‌اند.^۱

بداء و اشراط الساعة

«بداء» در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است و در اصطلاح به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم گفته می‌شود؛ بدین معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی مسئله‌ای را از زبان پیامبر یا یکی از اولیایش به گونه‌ای تبیین می‌کند و سپس در مقام عمل و ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می‌دهد.

۱. در این رابطه به‌طور مشخص می‌توان به روایات «سلونی قبل ان تفقدونی» (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۳۵) حضرت علی علیه‌السلام اشاره کرد که ضمن آن می‌فرمایند اگر بخواهید، شما را از تمام حوادث تا قیامت با خبر می‌کنم. بدیهی است که یکی از این رخدادها ظهور امام عصر علیه‌السلام است و در نتیجه می‌توان گفت ایشان نیز زمان ظهور را می‌دانسته‌اند هرچند شاید بنا بر مصالح و ضرورت‌ها مجاز به بیان آن نبوده‌اند.

در قرآن آمده است:

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. (رعد / ۳۹)

خداوند هر چه را بخواهد محو یا ثبت می‌کند درحالی که ام‌الکتاب نزد اوست و خود می‌داند عاقبت هر چیزی چیست.

و در سوره: زمر / ۴۸، یوسف / ۳۵، مطالبی در این راستا قابل طرح و مطالعه است که مطلبی پس از خفا برای مردم عیان می‌شود. این ظهور پس از خفا تنها برای انسان رخ می‌دهد و در مورد خداوند متعال صدق نمی‌کند، زیرا لازمه‌اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع جهل داشته باشد که این امر محالی است.

خداوند، چنان که قرآن کریم می‌فرماید به همه چیز آگاه و داناست (نساء / ۳۵) و نسبت به همه چیز - در همه زمان‌ها و مکان‌ها چه حاضر باشند و چه غایب، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند، علم حضوری دارد (ر.ک: آل عمران / ۵). از همین روست که مسئله بداء و ظاهر کردن آن امر مخفی را به خداوند نسبت داده می‌شود (زمر / ۴۷) و براساس آیه ۱۱ سوره رعد که می‌فرماید: «خداوند چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند» و با استفاده از دیگر آیات و روایات می‌توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال حسنه، نظیر: صدقه، احسان به دیگران، صلح رحم، نیکی به پدر و مادر، استغفار و توبه، شکر نعمت و ادای حق آن و ... سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و عمر و برکت زندگی عمل‌کننده را افزایش می‌دهد، همان‌طور که اعمال بد و ناشایست اثر عکس آن را بر زندگی شخص می‌گذارد.

خلاصه اینکه بداء در حقیقت ظاهر شدن اموری است که از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی و برای خود مشخص بوده است.

باور به بداء به شیعه اختصاص دارد. بنابر روایات شیعه، نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عج به دو دسته حتمی و غیر حتمی طبقه‌بندی می‌شوند، در این دیدگاه موضوع بداء نیز تنها با علائم غیر حتمی و نه علائم حتمی یا علامات قیامت نسبت پیدا می‌کند و در دو دسته اخیر امکان و احتمال بداء وجود ندارد.

نتیجه

اَشْرَاطُ السَّاعَةِ، بر مجموعه حوادثی اطلاق می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت اتفاق خواهد افتاد.

در بسیاری از منابع روایی اهل سنت و برخی جوامع حدیثی شیعه، نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام با علامت‌های نزدیک شدن و برپایی قیامت آمیخته و برخی نشانه‌هایی که به علائم ظهور مشهورند، نشانه قیامت دانسته شده است. حتی گاهی از اصل ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان علامت قیامت یاد می‌شود.

به‌طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت به تبعیت از تفاسیر، ذیل آیه ۱۸ سوره محمد علیه السلام، بابتی با عنوان «اشراط الساعة» گشوده‌اند و در دوره‌های قبل و نیز متأخر کتاب‌های مستقلی با همین عنوان عرضه کرده‌اند. واژه «الساعة» نیز در قرآن به معنای وقت و لحظه به کار رفته است؛ هرچند واژه «الساعة» در قرآن کریم معمولاً به معنای قیامت به کار رفته است اما در برخی موارد از مجموع ۳۴ مرتبه‌ای که این واژه در قرآن دیده می‌شود، نمی‌توان آن را بر قیامت تطبیق کرد. این مصادیق غالباً بر همان مواردی تطبیق می‌کند که در منابع روایی به‌ویژه منابع شیعه به عنوان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده‌اند. البته با نگاه دقیق‌تر مجموعه این نشانه‌ها در چند مقطع زمانی گنجانده می‌شوند که در ضمن مقاله به آنها پرداخته شد.

موضوع اشراط الساعة در ادیان دیگر نیز مطرح شده است. در همه پیش‌گویی‌های مربوط به آخرالزمان، خبرهای وحشتناک و نگران‌کننده‌ای وجود دارد؛ ولی اغلب بر این امر اتفاق نظر است که پایان کار بشر، روشن و سعادت‌آمیز است. براساس مطالب پیش‌گفته تحولات آخر الزمان در دو عرصه انسانی و طبیعی قابل بررسی است.

بنابر منابع و تفاسیر شیعه و رویدادهای مربوط به اشراط الساعة را می‌توان به دو دسته کلی پیش از ظهور و قبل از قیامت دسته‌بندی کرد، اما منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت اشراط الساعة را به عنوان حوادث پیش از قیامت معرفی نموده‌اند.

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از آیات قرآن کریم، روایات، منابع تفسیری شیعه و سنی و تحلیل آنها میان این مجموعه نشانه‌ها تفکیک انجام شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

- ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن هانم، شهاب‌الدین احمد بن محمد، ۱۴۲۳ ق، التبیان فی تفسیر غریب القرآن، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- احمد بن حنبل، ابو عبدالله، ۱۴۱۵ ق، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۸ ق، صحیح البخاری، به کوشش بن باز، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- دهخدا، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۷۳، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیة.
- راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۹ ق، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی.
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، چ سوم.
- الساده، مجتبی، ۱۳۸۵، شش ماه پایانی، ترجمه محمود مطهری‌نیا، تهران، موعود عصر.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۴۱۶ ق، سنن ابی‌داود، به کوشش محمد عبدالعزیز الخالدی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، فی ظلال القرآن، بیروت و قاهره، دار الشروق، چ هفدهم.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- شفیع سروسستانی، ابراهیم، ۱۳۸۶، معرفت امام زمان، تهران، موعود عصر.
- صادقی، مصطفی، ۱۳۸۵، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، قم، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ ق، کمال‌الدین، قم، دار الکتب الاسلامیة.
- _____، ۱۳۹۸ ق، التوحید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____، بی تا، علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری.

- طباطبایی سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- الطبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، بی تا، *المعجم الصغیر*، تحقیق محمد سلیم ابراهیم سمار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ سوم.
- _____، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت دار المعرفه.
- طبسی، نجم‌الدین، ۱۳۸۵، *چشم‌اندازی به حکومت مهدی*، قم، بوستان کتاب.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- _____، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر قمی*، قم، مؤسسه دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- کورانی، علی، ۱۴۱۱ ق، *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مسلم، ۱۴۰۷ ق، *صحیح مسلم بشرح النووی*، محیی‌الدین النووی، بیروت، دار الکتب العربی.
- مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه رشديه.
- معین، محمد، ۱۳۷۵، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیر کبیر.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- نصیری، علی، ۱۳۸۳، *دائرةالمعارف قرآن کریم: مدخل اشراط الساعه*، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ق، *الغیبة*، تهران، مکتبه الصدوق.